



### از قلمرو عراق برای حمله به اسرائیل استفاده نشد

محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر عراق روز سه‌شنبه یک روز پس از دیدار با جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در گفت‌وگو با شبکه «سی‌ان‌ان»، هرگونه گزارش در ارتباط با حمله ایران از خاک عراق را رد کرد. السودانی، حمله اخیر رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولی جمهوری اسلامی عراق در دمشق را نقض آشکار و خلاف قوانین بین‌المللی خواند و گفت، همین اقدام، ایران را بر آن داشت تا پاسخ دهد. نخست‌وزیر عراق تصریح کرد: «از طریق گزارش‌های نظامی که دریافت کرده‌ایم برای ما ثابت نشد که موشک یا پهپادی از عراق پرتاب شده است.» سودانی سپس با تأکید بر لزوم حفظ امنیت عراق تصریح کرد: «قطعاً، موضوع ما روشن است. ما به هیچ نهاد غیردولتی اجازه نمی‌دهیم تا از عراق برای بازگرداندن این کشور به جنگ استفاده کند، ما از رویه‌های قانونی برای حفظ امنیت عراق و دور کردن عراق از صحنه درگیری استفاده می‌کنیم.»



### تایید سفر گروسی به ایران

رئیس سازمان انرژی اتمی با اشاره به سفر قریب‌الوقوع مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران گفت: «۱۲۰ بازرس بر حسب موضوع و برنامه توافقی به صورت منظم یا سرزده از تاسیسات هسته‌ای کشور بازدید می‌کنند.» به گزارش ایرنا، رئیس سازمان انرژی اتمی با بیان اینکه در بخش پادمان و ان‌بی‌تی، روابط خوبی بین ایران و آژانس برقرار است، یادآور شد: «در این بخش نصب دوربین‌های آژانس بین‌المللی انجام است و دانش اطلاعاتی آنها نسبت به عملکرد ما همیشه به روز است.» اسلامی ادامه داد: «۱۲۰ بازرس تاییدشده برای مسائل هسته‌ای کشور وجود دارد که برخی در ایران مستقر بوده و برخی در رفت‌وآمد هستند و بر حسب موضوع و برنامه توافقی به صورت منظم یا سرزده از تاسیسات هسته‌ای کشور بازدید می‌کنند.» رئیس سازمان انرژی اتمی به موضوع برجام هم اشاره کرد و گفت: «در بخش برجام تابع قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها هستیم و فعالیت هسته‌ای ایران در قانون اقدام راهبردی در چارچوب پادمان است.» اسلامی اضافه کرد: «ما هم طبق قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها، متعهد هستیم در صورتی که طرف مقابل به تعهدات خود عمل نکند، شرایط فعلی به وجود می‌آید. در صورتی که اگر آنها به تعهدات خود عمل کنند، جمهوری اسلامی هم به تعهدات برجامی در خصوص بندهایی که برای برخی محدودیت‌ها وجود دارد، عمل خواهد کرد.» وی با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران طبق بندهای ۲۶ و ۲۷ برجام به تعهدات خود عمل می‌کند، به صحبت‌های اخیر رافائل گروسی اشاره و عنوان کرد: «ایشان گفتند هرچند ایران نسبت به غنی‌سازی بالا اقدام می‌کند ولی این به معنای برخورداری ایران از سلاح هسته‌ای نیست.» اسلامی خاطرنشان کرد: «نکته حائز اهمیت این است که آقای گروسی به حضور بازرسان سازمان بین‌المللی انرژی اتمی در ایران و تعاملات خوب بین ایران و آژانس اشاره کرده و ان‌شالله ایشان در آینده به ایران سفر خواهد کرد و تنظیمات دو طرف به روز خواهد شد.»

کازمی و احمد میرفندرسکی کم و بیش دچار غضب شدند. ایرج پزیشکزار نیز کمی ابرادر فریدون آدمیت (یعنی تهمورث) هم به دلایل اداری.» او تا سال ۱۳۴۴ کارشناس اداره عهود بود و در این سال بود که پس از چهارده سال بالاخره به‌عنوان رئیس این اداره برگزیده شد. در نهایت در سال ۱۳۵۰ سیدعزالدین کازمی به‌عنوان سفیر ایران در اتریش به وین اعزام شد و پس از مدت کوتاهی به‌عنوان مدیرکل حقوقی وزارت امور خارجه به تهران بازگشت و باز هم از مقام خود خلع شد. او در سال ۱۳۵۷ با مطرح شدن تشکیل دولت توسط غلامحسین صدیقی از رهبران جبهه ملی به‌عنوان گزینه وزارت امور خارجه مطرح شد.

هوشنگ نهاوندی، وزیر دوران پهلوی در گفت‌وگو با پروژه تاریخ شفاهی هاروارد درباره مذاکره با داریوش فروهر برای تشکیل دولت انتقالی پیش از وقوع انقلاب می‌گوید: «دکتر صدیقی را می‌گفتند فرصت‌تر است و راست هم می‌گفتند و به هر حال به این راه رسیدیم. خود دکتر صدیقی هم گفت که اگر به آنجا رسیدید می‌پذیرم و قرار شد که نماینده‌ای هم آیت‌الله شریعتمداری در آن‌جا بگذارد که او هم تا آن مرحله اشکالی نداشت. یک توافقی هم در لیست وزراء به‌هر حال با آقایان کردیم که کسانی که قرار بود از به اصطلاح گروه مخالفین در کابینه باشند، آن کسانی که آن موقع مخالف دولت محسوب می‌شدند آقای مدنی بود، آقای صدر بود، سیداحمد، باز هم یادآوری می‌کنم با علی اصغر برادرش اشتباه نشود، احمد صدر بود، آقای محسن پزشکی‌پور بود، آقای عزالدین کازمی بود. نمی‌دانم زنده است یا مرده؟ ان‌شاءالله که زنده باشد، مرد شریفی بود. عزالدین کازمی بود که البته او خودش به وزارت خارجه علاقه داشت ولی مشکل بود که شاه بپذیرد وزارت خارجه را. به‌هر حال قبول کرده بود که در کابینه باشد. دکتر محمد نصیری و دکتر محمدعلی ملکی از یاران که‌نسال مصدق قرار بود در کابینه باشند.»

نهاوندی ادامه می‌دهد: «دکتر صدیقی برگشت گفت که، افشار نادری بود و بنده بودم، وارسته رفته بود و تراقی هنوز نیامده بود. گفت که این بختیار نوکر انگلیس‌هاست. در زمان آقا هم جاسوسی می‌کرد. می‌خواهد وزیر بشود ولی راهش نمی‌دهم. به‌هر حال ایشان کابینه‌ای تشکیل می‌دهد کم و بیش شبیه بود به همان کابینه‌ای که بنده فکر کردم بودم. صدر به وزارت دادگستری. مدنی به وزارت کشور. افشار نادری به وزارت کشاورزی. عزالدین کازمی به وزارت خارجه، و چندتن دیگر. و بعد از چند روز ویکی دو ملاقات می‌رود پهلوی علی‌حضرت و لیست کابینه خودش را می‌دهد به ایشان. یک شرط هم بیشتر نمی‌گذارد. آن شرط این بود که اعلی‌حضرت ایران را ترک نکنند. بروند به جزیره خارک یا به جزیره کیش. کیش را هم موافق نبود صدیقی می‌گفت کیش بدنام است رفتن شاه به آنجا از لحاظ افکار عمومی کار خوبی نیست. یا بروند به بندرعباس، به‌هر حال به یکی از نقاط جنوب که از لحاظ امنیت هم حواسش جمع باشد و دو سه ماه در کارها دخالت نکنند اما از ایران خارج نشوند برای اینکه ارتش متلاشی نشود و قدرت ارتش در دست نخست‌وزیر باقی بماند.»

پیشنهاد کازمی از سوی غلامحسین صدیقی جایگاه برجسته عزالدین کازمی در میان رهبران جبهه ملی را نشان می‌دهد که او را گزینه قطعی وزارت امور خارجه از سوی جبهه ملی کرده بود. با این حال با عدم پذیرش شرط غلامحسین صدیقی از سوی شاه این دولت هرگز تشکیل نشد و شاپور بختیار که از نگاه غلامحسین صدیقی جاسوس انگلیسی‌ها بود مأمور تشکیل دولت شد. محمد پدram دیپلمات و کارمند عالی‌رتبه وزارت خارجه نیز در گفت‌وگو با پروژه تاریخ شفاهی هاروارد می‌گوید: «آقای دکتر شاپور بختیار که نخست‌وزیر شدند ایشان آقای میرفندرسکی را انتخاب کردند برای این کار و تا جایی که من اطلاع دارم چون در این جریان نبودم باید به‌عرض‌تان برسانم که آقای میرفندرسکی از طریق آقای دکتر عزالدین کازمی معرفی به آقای دکتر بختیار شدند. آقای دکتر عزالدین کازمی چون در جبهه ملی سابقاً بودند و پدرشان هم وزیر خارجه مرحوم آقای مهدب‌الدوله کازمی وزیر امور خارجه مرحوم دکتر مصدق بودند آشنایی با آقای دکتر شاپور بختیار داشت و آقای دکتر شاپور بختیار به‌طوری که آقای کازمی به‌من اظهار داشتند متمایل بودند که آقای دکتر کازمی وزارت خارجه ایشان را عهده‌دار شوند ولی آقای دکتر کازمی قبول این پست را نمی‌کنند و می‌فرمایند که من شخصی دیگری را به شما معرفی می‌کنم که مورد اعتماد است و مورد اطمینان جنابعالی هم قرار خواهد گرفت. پس از تشکیل یک جلسه مصاحبه آقای احمد میرفندرسکی را به ایشان معرفی می‌کنند و آقای دکتر شاپور بختیار هم پس از یک جلسه مصاحبه ایشان را به‌عنوان وزیر خارجه می‌پسندند و انتخاب می‌کنند. به این ترتیب آقای احمد میرفندرسکی که یکی از کارمندان برجسته وزارت خارجه هستند و من شکی در درایت و سواد و اطلاعات ایشان ندارم و یکی از اعضای واقعا لایق دیپلمات هستند به این سمت انتخاب شدند. من آقای میرفندرسکی را از جهت کاری در وزارت خارجه می‌پسندم، ایشان فقط یکی دوتا نقطه‌ضعف خصوصی دارند که کاش آن نقطه‌ضعف‌ها را نمی‌داشتند.»

کازمی در سال ۱۳۳۹ نقش فعالی در احیاء جبهه ملی دوم داشت و بدون وابستگی به هیچ‌یک از احزاب عضو جبهه به عضویت شورای مرکزی جبهه ملی برگزیده شد و به دلیل عدم وابستگی به احزاب، جزو رهبران اقلیت این تشکل به شمار می‌رفت. او عضو هیئت مؤسس جبهه ملی دوم بود و همچنین منتخب نمایندگان کنگره در شورای مرکزی جبهه ملی دوم و ریاست شورای مرکزی را برعهده داشت. پس از جریان استعفای اعضای شورای مرکزی و اعلام سیاست صبر و انتظار از سوی اللهیار صالح، عملاً فعالیت‌های جبهه ملی دوم پایان یافت. کازمی در سال ۱۳۴۳ از سوی دکتر مصدق مأمور شد تا جبهه ملی سوم را با محور احزاب و بدون حضور منفردین برپا دارد. با تهیه اساسنامه و با حضور احزابی مانند حزب مردم ایران، گروه ملکی، حزب سوسیالیست، نهضت آزادی و حزب ملت ایران، ۳ جلسه برای تشکیل این جبهه برگزار گردید که سرانجام در جلسه سوم و با هجوم مأموران و دستگیری افراد شرکت‌کننده در جلسه عملاً راه‌اندازی جبهه ملی سوم منتفی شد. پس از آن کازمی فعالیت سیاسی را به کنار نهاد و در اردیبهشت ۱۳۵۵ در تهران درگذشت.

خاطرات او در قالب پنج جلد با عنوان یادداشت‌هایی از زندگانی باقر کازمی (مهدب‌الدوله) توسط نشر تاریخ ایران منتشر شده است. انتشار این دوره از سال ۱۳۹۰ آغاز شد و در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۳ پنجمین مجلد منتشر شد. این پنج مجلد کتاب، خاطرات روزانه دکتر باقر کازمی را از سال ۱۲۹۱ خورشیدی تا سال ۱۳۴۳ در بر می‌گیرد. او همچنان که از یادداشت‌هایش پیداست مردی زودرنج است که کدورت‌ها را روزگار دارد. همراهی وی با جبهه ملی و درآمدن به جرگه همراهان محمد مصدق اصلاً از روی دشمنی با دستگاه حاکم نبود. اما پس از افتادن مصدق از قدرت، کازمی هم در پیشگاه حکومت شاهنشاهی تاوان همکاری با او را داد.

کازمی مردی باسواد و در عین حال پای‌بند سنتی‌ترین آداب دینی بود. او حتی در دوران وزارت و سفارت هم از زیارت کامل و مفصل عتبات مقدسه شیعی صرف‌نظر نمی‌کرده است. او مردی پاکدامن و با وارستگی‌هایی تا سر حد عرفان بوده است. وقتی مدتی کاری به او ارجاع نشد سخت در تنگدستی افتاد و ناچار شد چیزهایی از دارایی خود را بفروشد.

### عزالدین کازمی دیپلمات و حقوقدان برجسته

عزالدین کازمی در سال ۱۲۹۸ در تهران به دنیا آمد. او پس از دریافت دکترای حقوق از فرانسه، در سال ۱۳۲۰ به وزارت امور خارجه پیوست و به‌عنوان کارشناس اداره سوم سیاسی شروع به کار کرد و در سال ۱۳۲۳ به‌عنوان وابسته سفارت ایران در لندن به انگلیس اعزام شد. در سال ۱۳۲۸ به‌عنوان معاون اداره سازمان ملل انتخاب شد و در سال ۱۳۳۰ دبیر اول سفارت ایران در پاریس شد که هم‌زمان با نهضت ملی شدن صنعت نفت و وزارت پدرش در کابینه‌های دکتر مصدق بود و طبیعتاً پس از وقوع کودتا او نیز مغضوب شد و روند ترقی‌اش متوقف شد. فریدون مجلسی، دیپلمات سابق وزارت امور خارجه در توضیح موقعیت کارمندان وزارت امور خارجه به عزالدین کازمی اشاره کرده و می‌گوید: «وزارت [دکتر حسین] فاطمی ۳۳ساله که از دید کارمندان وزارت خارجه و واجد شرایط تحصیلی و تجربه کاری دیپلماتیک هم نبود، با مقاومت کارمندان اصولاً محافظه‌کارتر وزارت امور خارجه مواجه شد که وزارت او را بر نمی‌تافتند و ریزش حامیان دکتر مصدق در میان کارمندان وزارت خارجه با سرعت آغاز شد. فقط نسل جوان‌تر مانند ایرج پزیشکزار و دوستانش با عزالدین کازمی که پدرش وزیر خارجه و معاون مصدق بود کم و بیش و نه‌چندان آشکار به مصدق وفادار بودند. خصوصاً مطرح شدن دوباره رفتار مصدق با نصرالله انتظام سفیر ایران در واشنگتن که مصدق هنگام دیدارش با پزیردنت ترومن مانع حضور او شده بود، به‌عنوان ابراز بی‌اعتمادی نسبت به او، مزید بر علت بود. از سوی دیگر رکود اقتصادی و کمبود ارز موجب کاستن از حقوق ارزی، و احضار مأموران دیپلماتیک و تعطیلی برخی نمایندگی‌ها شده و بر معیشت آنان نیز تأثیر نامطلوب گذاشته بود. به این ترتیب پس از ۲۸ مرداد نیز که عبدالله انتظام، دیپلمات قدیمی، وزیر خارجه شد، کارمندان وزارت امور خارجه غالباً بدون مسئله‌ای به کار خود ادامه دادند و تدریجاً به گرایش سیاست خارجی به جانب غرب و کسب حمایت امنیتی در تقابل با روسیه در دوران جنگ سرد عادت کردند! پس از ۲۸ مرداد که در برنامه پاکسازی «ت.پ.آ.کس» بسیاری از دستگاه‌ها از عناصر حزب توده پاکسازی شد، از اینکه در وزارت خارجه نیز موردی بوده باشد چیزی شنیده‌ام. فقط سفیر ایران در رم که پس از خروج شاه از کشور، از استقبال از او خودداری کرده و کارمندان را نیز از دیدار با او منع کرده بود، مشمول تصفیه و بازنشستگی شد. عزالدین کازمی و کسان دیگری که به حمایت از مصدق شناخته می‌شدند به کار خود ادامه دادند اما سرعت ترقی آنان کند شد. کازمی به مدیرکلی حقوقی هم رسید و در قضاوتی جزایر سه‌گانه و نشاط‌العرب نیز خدمات شایانی کرد.» مجلسی در نهایت درباره وضعیت کارکنان مغضوب وزارت خارجه می‌گوید: «محمود میرفخرایی، عزالدین



**سیدباقر کازمی برای نخستین بار در زمان رضاشاه و در کابینه‌های محمدعلی فروغی سکان‌دار وزارت امور خارجه شد و مأموریت‌های مهمی چون مسئله آب هیرمند و دفاع از حقوق ایران در مقابل ادعاهای مرزی عراق را با موفقیت به سرانجام رساند و در تنها سفر خارجی رضاشاه به ترکیه نیز او را همراهی کرد. دوران مسئولیتش به‌خاطر همراهی محمد مصدق با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به پایان رسید و به‌خاطر اعتماد دکتر مصدق و البته سابقه دیرینه سیاسی‌اش، در جبهه ملی سوم به ریاست آن برگزیده شد که با انحلال جبهه ملی به نتیجه نرسید**



**مهمترین برهه زندگی عزالدین کازمی در آستانه وقوع انقلاب اسلامی رقم خورد که به‌عنوان گزینه اصلی وزارت امور خارجه در دولت غلامحسین صدیقی به محمدرضاشاه پهلوی پیشنهاد شد که با عدم پذیرش شرط صدیقی توسط شاه این دولت هرگز تشکیل نشد.**

**با این حال بختیار نیز همین پیشنهاد را به عزالدین کازمی ارائه داد که او از پذیرش آن اجتناب کرد و به همین واسطه او توانست در دولت موقت مهندس بازرگان به‌عنوان مشاور وزیر امور خارجه کریم سنجابی مدتی را در جمهوری اسلامی خدمت کند**

شد. نزدیک بود از ترس قبض روح شوم... بالاخره بعد از چند دقیقه جلوی من آمدند و با چشمان نافذش که تا عمق وجود آدمی رخنه می‌کرد، مدتی مرا نگاه کردند و گفتند: اگر من هم کسانی باهمان درجه صمیمیت و اخلاص و وفا ببینم، همان‌طور رفتار خواهم کرد.» کازمی در کابینه جم نیز وزیر امور خارجه ماند تا در فروردین ۱۳۱۵ جای خود را در وزارت امور خارجه به عنایت‌الله سمیعی داد و با عنوان سفیر کبیر به ترکیه رفت. در سال ۱۳۱۷ سفیر کبیر ایران در افغانستان شد و نخستین قرارداد ایران و افغانستان را بر سر حقایق ایران از رود هیرمند بست. حقایق ایران از رود هیرمند که در افغانستان سرچشمه می‌گرفت و به ایران می‌ریخت، همیشه یکی از محورهای اختلاف و سبب اعتراض ایران به افغانستان بود. در ششم بهمن ۱۳۱۷ کازمی و علی‌محمدخان، وزیر امور خارجه افغانستان «قرارداد تقسیم آب هیرمند» را در کابل امضا کردند که در آن، دو کشور توافق می‌کردند همه‌ساله هر مقدار آب رودخانه هیرمند که به بند کمال‌خان می‌رسد، از آن بند به بعد به صورت مساوی میان دو کشور تقسیم شود.

پس از شهریور ۱۳۲۰ کازمی در ترمیم کابینه محمدعلی فروغی در سیزدهم آذر به‌عنوان وزیر بهداری به مجلس معرفی شد. فروغی در یازدهم اسفند که کابینه‌اش را ترمیم کرد، وزارت کشور را به کازمی داد اما پس از گرفتن رأی اعتماد از کارکنارگیری کرد و علی‌سپهلی که ریاست دولت بعدی را به دست گرفت، سمتی به کازمی نداد. با تغییر کابینه در ۱۸ مرداد ۱۳۲۱ کازمی در دولت احمد قوام به سمت وزارت کشور و سیدحسن تقی‌زاده که سفیر ایران در لندن بود، به‌عنوان وزیر دارایی به مجلس معرفی شدند اما تقی‌زاده بیماری و ناتوانی از سفر را بهانه کرد و به ایران بازنگشت. قوام به جای او، کازمی را به وزارت دارایی منصوب و در اول شهریور به مجلس معرفی کرد. در این میان، فروغی که پس از نخست‌وزیری به وزارت دربار منصوب شده بود، قرار شد با سمت سفیر کبیر به آمریکا عزیمت کند. برایش پذیرش خواستند، موافقت شد. فروغی قبل از حرکت به سبب بیماری تقاضا کرد در این مأموریت محمود فروغی فرزند کوچکش که کارمند وزارت امور خارجه بود نیز با او همراهی کند. این درخواست نیاز به تصویب‌نامه هیئت وزیران داشت. قوام‌السلطنه موضوع را در هیئت دولت مطرح کرد و با مخالفت کازمی روبه‌رو شد. کازمی تمام ترقی‌اتش مدیون فروغی بود. فروغی او را از کارمندی ساده وزارت امور خارجه به سفارت و وزارت رسانده بود و همیشه برای حمایت از او مورد ابراد و حتی طعن بعضی دوستان قرار می‌گرفت و انتظار نداشت در آن ایام کازمی با تقاضای او مخالفت کند. موضوع چندی در هیئت دولت ماند و اخذ تصمیم گرفته نشد. فروغی به‌شدت متأثر شد و بیماری‌اش شدت یافت تا اینکه در پنجم آذر ۱۳۲۱ بر اثر سکته قلبی درگذشت. کازمی سپس از دولت قوام جدا شد و در ترمیم کابینه ساعد در پانزدهم شهریور ۱۳۲۳ وزارت فرهنگ را بر عهده گرفت. کابینه ساعد در آبان آن سال سقوط کرد و کازمی در ۱۵ اسفند ۱۳۲۳ حکم وزیر مختاری ایران در سوئد را دریافت کرد و راهی استکهلم شد.

او همچنین عضو هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس سان‌فرانسیسکو برای تاسیس سازمان ملل بود. هیئت نمایندگی ایران به ریاست مصطفی عدل در کنفرانس سان‌فرانسیسکو شرکت کرد. این کنفرانس از ۵ اردیبهشت تا ۵ تیر ۱۳۲۴ برگزار گردید و نتیجه آن، امضای منشور ملل متحد بود. نخستین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دی‌ماه ۱۳۲۴ در شهر لندن برگزار گردید. علاوه بر مصطفی عدل و سیدباقر کازمی، علی‌اکبر سیاسی و نصرالله انتظام و دکتر قاسم غنی نیز عضو هیئت اعزامی به کنفرانس سان‌فرانسیسکو بودند.

در زمستان ۱۳۲۶ باقری به ایران بازگشت و در پانزدهم بهمن در کابینه حکیم‌الملک به‌عنوان وزیر امور خارجه به مجلس معرفی شد اما یک ماه بعد کنار رفت. در سال ۱۳۲۸ با گشایش نخستین دوره مجلس سنای ایران، به فرمان شاه به نمایندگی تهران منصوب شد.

**عضویت در جبهه ملی**  
با آغاز نهضت ملی باقر کازمی به نهضت ملی پیوست. او در کابینه اول دکتر مصدق وزیر امور خارجه و نایب نخست‌وزیر شد و در کابینه دوم هم تا اوایل مرداد ۱۳۳۲ وزیر دارایی بود و در اجرای برنامه «اقتصاد بدون نفت» تلاش کرد. علت کاهش جایگاه کازمی در کابینه دوم مصدق به‌رک‌گویی و انتقادات او از مصدق باز می‌گردد. کازمی حتی در دوران همکاری و صمیمیت با مصدق از نقد او نمی‌گذرد و اشکالات اداری و اخلاقیات تند و یکدندگی‌های او را بر ملا می‌کرد و حتی بر سر پاره‌ای از دریافت‌های نادرست مصدق با او رویارو شد. بعد از آن به سمت سفر کبیر ایران در پاریس تعیین شد تا شهریور ۱۳۳۲ در آن سمت ماند و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از سفارت استعفا داد. کازمی پس از یک سال اقامت در اروپا به اتفاق مستغف‌الدین امیر علانی به ایران بازگشت و در نهضت مقاومت ملی به فعالیت پرداخت. او در فروردین ۱۳۳۴ بازداشت و پس از مدتی تبعید شد.